

ادبیات سیاسی امام خمینی (ره)

● دکتر محمدرضا دهشیری*

چکیده

این مقاله سعی دارد با روش تحلیل محتوا به تعیین مفاهیم تقابلی، واژه‌های تعاملی و عبارات و واژگان ابداعی و انضمامی در ادبیات سیاسی امام خمینی بپردازد و اقدامات ایشان در فرهنگ سازی و جایگزین سازی ارزش‌های انقلاب و ایجاد همبستگی روحی و روانی در جامعه از رهگذر پیوند دال و مدلول و ابداع مفاهیمی روزآمد را به منصفه ظهور رساند و نحوه ابلاغ پیام، ترسیخ معانی و نهایتاً درونی کردن ارزش‌ها را با نمادهای کلامی تشریح نماید.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران نفحه‌ای روحانی و امانتی الهی بود که با دمیده شدن نفس مسیحایی «روح‌الله» به پیکره جامعه و کالبد بشریت، گفتمانی انقلابی و فرهنگی استقلالی، مبتنی بر باورهای اجتماعی و ایستارهای ارزشی به ارمغان آورد. یکی از مؤلفه‌های این فضای گفتمانی، ادبیات انقلابی بود که حضرت امام خمینی (ره) به عنوان رهبر مذهبی و مردمی، برخوردار از مرجعیت دینی و ایدئولوژی، فرمانده و معمار انقلاب، توانست با توجه به زمینه‌ها و بافت موقعیتی و جایگاه مقتدرانه خود برای بیان گزاره‌ها، آن را از حاشیه به متن بکشاند و با اتکاء به عنایت خداوندی، به تبیین و ترویج پیام‌های الهی، معنوی و الهی در «ثورة الكاسیت» یا انقلاب نوار و سیراب‌سازی تشنگان

*. استادیار علوم سیاسی دانشکده روابط بین‌الملل

۳۹ اسلام ناب محمدی با پیام رسای خود از رهگذر دیوار نوشته‌ها به عنوان رسانه نوین مردمی اهتمام نماید. وی عرصه نوینی را در ادبیات سیاسی و بستری مناسب را برای شکوفایی ادبیات انقلابی فراهم آورد که مهمترین ویژگی آن زبان صریح و بیان شفاف بود.

او با زبان مقایسه‌ای بین متن انقلاب و بستر سایر انقلابهای جهان و حرکت‌های پیشین مردمی در تاریخ سیاسی - اجتماعی معاصر ایران توانست به تبیین و ترویج ادبیات گفتمانی نوین انقلاب از درون بپردازد و در عین غرب‌شناسی، غرب را در این ادبیات سیاسی نادیده انگارد، تندیس‌های طاغوت و انگاره‌های مادی‌گرایانه را درهم شکند، خورشید آزادی را به نقطه اوج برساند و از ملتی آرام، مردمی توفانی بسازد. ایشان با عطف نظر اندیشه‌گران دینی و سیاسی جهان به کلام نوین خود، توانست به اندیشه‌ها تابندگی، به دل‌ها شهامت و به دیده‌ها بصیرت بخشد و با واژگان خود، رهروان انقلاب را به تمییز سره از ناسره رهنمون سازد و با بهره‌گیری از ایجاز معنایی عام و سخنان کوتاه و پر معنا که زبانزد خاص و عام می‌گردید، نمادهای کلامی را بر زبان‌ها جاری سازد. ایشان با علم به اینکه ساختار زبانی و جهت‌گیری و رویکرد مفاهیم در تبیین معانی جدید تعیین‌کننده است، به واژه‌ها معانی اعلای انسانی و روحی می‌بخشیدند تا از این رهگذر نوع نگاه جامعه انقلابی را تحوّل بخشند. در این رابطه می‌توان به جایگزین‌سازی آزاده به جای اسیر، تلقی نعمت از جنگ به جای نقت و محسوب داشتن شهادت به عنوان پیروزی، اوج، عروج روح ملکوتی و هنر مردان خدا اشاره کرد.

امام نه تنها در عرصه سیاست‌های اعمالی، بلکه در حیطه سیاست‌های اعلامی واژه‌هایی را در ادبیات سیاسی انقلاب وارد کرد که قبل از آن یا وجود نداشتند و یا معانی دیگری از آنها استنباط می‌شد. ایشان با ابداع واژه‌هایی نوین و مفاهیمی جدید و یا ارائه معانی متحوّل از واژه‌های متداول و مستعمل و یا افزودن متعلق انضمامی و توصیفی به آن، به زیر سؤال بردن مشروعیت نظم قدیم، تبلیغ ارزش‌های دینی و پایه‌ریزی بنیادهای فکری و ادبی انقلاب اسلامی همت گماشت و با این ادبیات گفتمانی جدید که مشعر بر اهداف، سیاستها و نهادها و نمادهای انقلاب و ناظر بر بسیج مردم برای مبارزه و تداوم قیام تا پیروزی بود، شور و شوقی وصف‌ناپذیر را در میان

مبارزان مسلمان و مردم انقلابی ایران به وجود آورد.

ابداع چنین مفاهیم نوینی که افکار عمومی را شکل می‌بخشید و دال و مدلول را درهم می‌آمیخت، از تجلیات پربار اندیشه آن ابرمرد و رهبر فرزانه به شمار می‌آید، چرا که از این رهگذر توانست، در شعارهای نهضت و گفتارهای انقلابی و دیدگاههای اعتراضی انسجام و نوعی همبستگی روحی و روانی را در جامعه پدید آورد.

امام خمینی(ره) پارادیمی ادبی را ایجاد کرد که در نمایه‌های آن از ادبیات قرآنی، روایی و اصطلاحات حدیثی و فقهی الهام گرفته بود، اما آن حضرت به معانی مزبور، مفاهیمی سیاسی و ابعادی اجتماعی بخشیده بود. ایشان با وضع واژه‌هایی ابداعی و انضمامی و مفاهیمی روزآمد و با معنا بخشی نوین به مفاهیمی مستعمل، واژگان سیاسی - مذهبی را در ادبیات انقلابی جهان اسلام گسترش بخشیدند و با ایدئولوژیک کردن گزاره‌های مذهبی، ادبیاتی گفتمانی را به ارمان آورده‌اند که مظهر پیوند اهداف، آرمانها، خواسته‌ها و احساسات به شمار می‌آمد.

ایشان از این رهگذر، ماهیت خواسته‌ها، اهداف و آرمان نهضت را شناساندند؛ به هنجارسازی، فرهنگ‌سازی و ارزشگذاری اجتماعی در خصوص تحولی عمیق و بنیادین در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی جامعه عمل پوشاندند؛ جهت دهی مردم به سمت و سوی مبارزه را به منصفه ظهور رساندند؛ به تبلیغ و جایگزین‌سازی ارزش‌های انقلاب اهتمام ورزیدند و نمادها و نهادهای نظام مطلوب و مصلحانه را تحقق بخشیدند. ادبیات گفتمانی امام خمینی(ره) گاه ماهیتی ایجابی و گاه ماهیتی سلبی داشت که در مجموع بیانگر زیبایی ادبی جناس تضاد در پویش‌های سیاسی بود. اندراج اهداف و آرمانها در شعارهای انقلاب که با عبارات و واژه‌های مختلف، ولی با معانی واحد بیان می‌شد، مظهر نظریه «وحدت در عین کثرت» یا «عِبَارَاتُنَا شَتَّى وَ حُسْنُكَ وَاحِدٌ» در ادبیات گفتمانی انقلاب به شمار می‌آمد.

آنچه در این نوشتار می‌آید تلاشی است که با روش تحلیل محتوا به تبیین مفاهیم تقابلی، واژه‌های تعاملی و عبارات و واژگان ابداعی در ادبیات سیاسی امام خمینی(ره) اهتمام می‌نماید تا مشخص کند که چگونه آن حضرت توانست از رهگذر کلام به ابلاغ پیام، ترسیخ معانی و نهایتاً درونی کردن ارزش‌ها بپردازد.

امام خمینی (ره) با بهره‌گیری از واژه‌های دوگانه* سعی داشتند از رهگذر تبیین تقابل و تباین، واژه‌های ادبی جدیدی را وارد حوزه مبارزه کنند و براساس «تُعَرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَائِهَا» به برخی از واژگان مفهوم خاصی ببخشند. در واقع، ایشان با گذار استعلایی بخش و شفاف از برخی واژگان از رهگذر مقایسه با اضداد خود بر غنای معنایی آن می‌افزودند. قراردادن استکبار در مقابل استضعاف که هر دو از درونمایه‌های قرآنی نشأت گرفته بود، بیانگر اعطای ابعاد سیاسی - اجتماعی به مفاهیمی بود که دارای ابعاد روان‌شناختی و فردی بود. با این وجود، تعبیر تقابلی مزبور توانست کاربرد جدیدی از مستکبرین و مستضعفین را در ادبیات سیاسی - اجتماعی جهان اسلام به منصفه ظهور برساند که تا آن زمان به این گستره و با این معنا مورد استفاده قرار نگرفته بود.^۱

همچنین قرار دادن «شیطان بزرگ» به عنوان مظهر باطل، کفر و سلطه‌گری در مقابل «نیروی ایمان» به عنوان مظهر حق، حقیقت، الوهیت، شکست‌ناپذیری و پیروزمندی نهایی، نشانگر اعطای روحیه امید به امت اسلامی و حزب‌اللهی در مورد غلبه بر قوای شیطان و حزب شیطانی بود.^۲

«جنگ فقر و غنا» که مظهر تقابل کوخ‌نشینان، پابرهنگان، زاغه‌نشینان و طبقه محروم و گودنشین و ساده زیست با کاخ‌نشینان، رفاه‌طلبان، دنیاگرایان و مترفان داخلی و خارجی به شمار می‌آمد، بیانگر اهتمام امام به عدالت اجتماعی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بود. به گونه‌ای که، آحاد مسلمانان و مستضعفان، از امکانات و فرصت‌های یکسان و مزایای متعادل بنا به لیاقت و شایستگی خود بهره‌مند شوند.^۲

همچنین برقراری تقابل بین «خودی» و «اجنبی»، نشانگر تلاش ایشان در گسترش دایره خودی و نفی انشقاق درونی، از رهگذر نامگذاری یکدیگر به تندر و کندرو، اهتمام به تجمع و وحدت نیروهای انقلابی داخلی، بسیج و وحدت مجموعه نیروهای طرفدار انقلاب علیه اجانب و ایادی بیگانگان بود.

ایشان ضمن شفاف‌سازی مرز بین «خود» و «دیگران»، عنوان نیروهای خودی را برای کلیه ملل مسلمان و طرفداران انقلاب اسلامی اعم از شیعه و سنی و نیروهای اجنبی را برای کلیه نیروهای شرق‌گرا و غربگرا و قدرتهای استکباری مخالف اسلام و

انقلاب اسلامی به کار می‌بردند و از این رو بر این باور بودند که «اسلام سدی است در برابر اجانب شرق و غرب».^۴

در واقع ایشان امت اسلامی با دیده «نه شرقی و نه غربی» را در مقابل شرق و غرب می‌دانستند و سیاست عدم‌تعهد بر مبنای استقلال تصمیم‌گیری را مهمترین راهبرد سیاست خارجی اسلامی تلقی می‌نمودند.

از جمله واژگان تقابلی دیگر «اسلام ناب محمدی» و «اسلام امریکایی» بود که مفهوم اول بر بنیادهای فقه جواهری، اسلام فقاهتی و انقلابی، پیوند دین و سیاست - این همانی دو مقوله مزبور با توجه به جامعیت دین مبین اسلام - استوار بود و واژه دوم «اسلام متحجرین»، «اسلام سرمایه‌داری»، «اسلام مرفهین بی‌درد»، «اسلام راحت طلبان و مقدس نمایان» و جدایی دین از سیاست را افاده می‌کرد که این بیانگر اعتقاد امام به پویایی دین و نگرش اکثری ایشان به اسلام بود.^۵ از دیگر سو، قرارداد «فرهنگ استقلالی» در برابر «فرهنگ استعماری» بیانگر اهتمام آن حضرت به مقابله با افکار مسموم استعماری، نفی فرهنگ اجنبی به عنوان ام‌الامراض و مخالفت با تربیت و فرهنگ استعماری است که هدفی جز شیوع فحشاء و استثمار جوانان به عنوان «ذخایر فوق‌الارضی» جامعه اسلامی ندارد و ضروری است با عوض کردن مغز انگلی به تفکر استقلالی در عین بهره‌گیری از علوم، فنون و مظاهر تمدن دنیای صنعتی نسبت به تحقق استقلال فرهنگی با شکوفاسازی استعدادها و افزایش هنرآفرینی‌های داخلی اهتمام لازم مبذول گردد.^۶

از این رو ایشان همواره با قرارداد «آزادی اسلامی» در مقابل «آزادی غربی» اعلام می‌داشتند که «ملت ایران، آزادی منهای اسلام نمی‌خواهد»^۷؛ چرا که آزادی غربی فحشاء و منکرات را در جامعه رواج می‌دهد و تفکر استقلالی را در معرض تهدید قرار می‌دهد.^۸

«اسلام منهای روحانیت» و «اسلام با روحانیت» واژگان دوگانه دیگری است که اولی موجب بروز تفرقه، اختلاف و جدایی بین دولت و ملت و حوزه و دانشگاه و دومی موجب وحدت جامعه و مصونیت نهضت اسلامی می‌شود. ایشان جامعه را نیازمند روحانیت به عنوان طبیب روحانی جامعه می‌دانستند که پیش‌تاز عرصه‌های نبرد برای مقابله با توطئه‌ها و دسیسه‌های اجانب به شمار می‌آید. در عین حال، ایشان روحانیت اصیل را از

«روحانیون درباری» و نیز افرادی که از «زی‌طلبگی» خارج شده‌اند متمایز می‌دانستند.^۹ از دیگر سو، تقابل «وظیفه» و «نتیجه» در کلام امام، بیانگر اصالت وظیفه و تکلیف‌گرایی و ضرورت ادای تکلیف و فرع بودن نتیجه و نفی اصالت عمل یا هدف‌انگاری ابزارهاست. ایشان عمل به وظیفه را نوعی مسؤولیت و تکلیف شرعی در جهت خدمت به اسلام و قطع فتنه و دفع دسیسه سلطه جویان می‌دانستند که فارغ از نتیجه پیروزمند ظاهری یا شکست ظاهری در جهت «حفظ مکتب»، «نگهبانی آینده نظام»، «حفظ چهره اسلام» و «حیثیت کشور» ضروری به شمار می‌آید.^{۱۰}

با این منظر، ایشان مناصب حکومتی را نه به عنوان سیادت و مقام استعلایی، بلکه به عنوان نوعی خدمت و مسؤولیت «در جهت حفظ اسلام که امانت الهی است»^{۱۱} تلقی می‌نمودند.^{۱۲}

نهایتاً واژگان «تمدن صادراتی» در مقابل «تمدن اسلامی»، نشانگر ضرورت حفظ ارزش‌ها و باورهای اجتماعی توسط مسلمانان به منظور جلوگیری از ورود ضد ارزش‌ها و ضد هنجارهای بیگانگان به جامعه اسلامی است.^{۱۳}

ب- واژه‌های تعاملی

امام خمینی (ره) پاره‌ای از واژه‌ها را به صورت انضمامی در کنار یکدیگر به کار می‌بردند تا ضمن تأکید بر همزمانی دو واژه و تلقی ایشان از آن دو به عنوان دو بال برای یک پیکر، نسبت به مکمل و متعامل بودن آن مفاهیم با یکدیگر اشاره نمایند.

«استقلال و آزادی»، که از بهترین مفاهیم متعامل در کلام آن حضرت بود و نخستین شعار از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی را تشکیل می‌داد، از نظر حضرت امام مستلزم حاکمیت ملت بر سرنوشت خود با رهایی از قیود وابستگی، اختناق و استبداد بود. از دیدگاه ایشان، آزادی اسلامی با استقلال فرهنگی ملازم است؛ چرا که استقلال فکری مستلزم خروج از غربزدگی و نفی تقلید فرهنگ غربی و طرد آزادی غربی، یعنی بی‌بندوباری و فساد و فحشاء است. در عوض آزادی اسلامی در حدود قانون و مطابق فطرت انسانی و سیله‌ای برای دستیابی به اهداف کلان به ویژه استقلال فکری و فرهنگی به شمار می‌آید. در واقع، استقلال در تمامی ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی آن و آزادی از جنبه‌های انسانی و فطری آن دو بال انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند که

حضرت امام آن دو را غالباً در کنار یکدیگر به کار می‌بردند ذکر نمونه‌هایی از کلام ایشان مؤید این سخن خواهد بود:

«استقلال و آزادی در پیروی از قرآن کریم و رسول اکرم (ص) است.»^{۱۴}

«لازمه استقلال، زدودن غربزدگی و یافتن فرهنگ اصیل شرق است.»^{۱۵}

«ارزش حیات به آزادی و استقلال و پیروی از دستورات مذهبی است.»^{۱۶}

«تا این مملکت از این غربزدگی بیرون نیاید، استقلال پیدا نمی‌کند... اگر بخواهید مستقل باشید، اگر بخواهید شما را به این که یک ملت هستید بشناسند و بشوید یک ملت، از این تقلید غرب باید دست بردارید.»^{۱۷}

وحدت «حوزه» و «دانشگاه» به عنوان دو نهاد تعلیمی و تربیتی که همزمان به تعهد و تخصص و علوم معنوی و فنون جدید اهتمام دارند، از دیگر موضوعات مورد تأکید حضرت امام بود. ایشان ضمن تبیین ضرورت رفع اختلاف و شکاف بین دو قشر روحانی و دانشجو، بر اصلاح نظام آموزشی، سالم‌سازی فضای فعالیت دانشجویی و «اسلامی شدن دانشگاه» تأکید داشتند.^{۱۸}

همچنین نفی علم بدون تهذیب و تخصص بدون تعهد و علم بدون عمل از سوی ایشان و نیز تأکید بر توأم بودن آموزش و پرورش و حتی تقدم رتبی تربیت و تزکیه بر تعلیم و تربیت، بیانگر تلقی آن حضرت از «علم و تعهد» به منزله دو بال برای رسیدن به مراتب ترقی و تعالی است.^{۱۹}

از دیگر واژه‌های تعاملی آن حضرت «ذخایر فوق‌الارضی» و «ذخایر تحت‌الارضی» بود که منظور از اصطلاح اول جوانان است که استعمارگران سعی در وابسته‌سازی روحی و شست‌وشوی مغزی و خودباخته کردن آنان با رواج فساد و فحشاء دارند و اصطلاح دوم ناظر بر منابع و ثروتهای خدادادی است که استعمارگران خواهان چپاول آن جهت بهره‌کشی ملل مستضعف هستند.^{۲۰} امام از این رهگذر توانستند نوعی خودباوری متکی بر منابع فکری و مادی را در جامعه اسلامی ایران تحکیم بخشند.

از دیگر مفاهیم تعاملی «احکام اولیه» و «احکام ثانویه» بود. تمایز بین این دو نوع حکم با الهام از کلام امام آن است که منابع حکم اولی ادله اربعه است، ولی منابع حکم ثانوی قواعد فقهی است. احکام اولی همیشگی و دائمی، ولی احکام ثانوی موقتی است. احکام اولی به منزله عام و احکام ثانوی به منزله تخصیص آن است. تشخیص مصلحت در

حکم اولی با شارع است، ولی در احکام ثانوی با مجری و ولی فقیه و یا مکلف است. احکام اولی، مقید به احکام و یا امتناع حکمی نیست، ولی اجرای احکام ثانویه منوط به عدم امکان حکم اولی است.^{۲۱}

اصطلاح «حکم حکومتی» و «حکم شرعی» نیز از دیگر واژگان تعاملی امام خمینی (ره) بود که مطابق آن تشخیص مصلحت در احکام شرعی را از آن شارع و در احکام حکومتی به عنوان احکام اولیه، از آن ولی منصوب از سوی شارع اعم از پیامبر، امام یا فقیه می‌دانستند.^{۲۲}

«دین و سیاست» به عنوان دیگر واژگان تعاملی مورد نظر امام، توانست دین را از عرصه ذهن و پندار و فردیت به همه زندگی سیاسی و عینیت اجتماعی بکشاند و به همگان بفهماند که دین هم سازنده دنیا و هم تأمین کننده آخرت است و نورانیت آن تمام جنبه‌های فردی، اجتماعی و سیاسی انسان‌ها را دربرمی‌گیرد.

بالآخره از دیگر واژگان تعاملی مورد تأکید حضرت امام، «دولت و ملت»^{۲۳}، «ملی و الهی»^{۲۴}، «جسمی و روحی»^{۲۵} بود که نشانگر عدم انفکاک معنایی این مفاهیم و ضرورت تلفیق، تکمیل و همزمانی مقولات مزبور برای پیشبرد اهداف و مقاصد نهضت اسلامی است.

ج- واژه‌ها و عبارات ابداعی

امام خمینی (ره) با ابداع برخی واژه‌ها و یا افاده معانی نوین از واژه‌های مستعمل، تعبیری یگانه را به منظور جهت‌دهی به حرکت انقلابی مردم مسلمان و یا نفی جریانهای منحرف و حرکت‌های ضد اسلامی و یا ادبیات انقلاب وارد کردند.

واژه «امت» که توسط ایشان حدود ۱۳۸ بار تکرار شده بیانگر تأکید بر هویت اسلامی و استقلال سیاسی پیروان آیین اسلام است که براساس آگاهی از تعلق به جامعه بزرگ واحد مبتنی بر برادری اسلامی و ویژگی مذهبی انسانها شکل می‌گیرد و در دارالاسلام تحت قیادت رهبری فرهمند در جهت اعتلای مردم و مقصد خود می‌کوشند.^{۲۶}

واژه ابداعی دیگر ایشان «مصلحت» است که از نظر امام به معنای رعایت مصالح و مقتضیات عصر و توجه به نقش زمان و مکان در اجتهاد است. با توجه به شأنیت و

قابلیت ولایت فقیه برای صدور حکم حکومتی، مرز ولایت فقیه، مفهوم مصلحت عمومی است.^{۲۷}

«طاغوت» که از نظر امام مظهر نظم کهن، فاسد و منحط و نمایانگر رژیم‌های غیرعادلانه، غیرانسانی و غیرتوحیدی به شمار می‌آید، از دیگر مفاهیم موجود در ادبیات سیاسی حضرت امام است که به جای حکومت استبدادی، مطلقه و اقتدارگرا به کار می‌رود. از نظر ایشان، طاغوت به جای تکیه بر نیروی ایمان بر جنود شیطان اتکاء دارد.^{۲۸}

همچنین تعبیر ایشان از «جبهه» براساس حدیث شریف «الإِسْلَامُ يَجُوبُ مَا قَبْلَهُ» و تعبیر ایشان از آن مبنی بر اینکه ملاک، حال افراد است و باید از برخی خطاهای افراد در گذشته چشم‌پوشی کرد، بیانگر توسعه بخشی به حیطة جبهه (پوشش) است که قبلاً در صورت مسلمان شدن فردی کافر مورد استناد قرار می‌گرفت؛ در حالی که از نظر امام دایره آن شامل افرادی نیز می‌گشت که در رژیم طاغوتی سابقه مبارزاتی نداشته‌اند، اما به انقلاب اسلامی پس از پیروزی آن رویکرد مثبت نشان دادند.

امام خمینی (ره) علاوه بر مفهوم‌سازی، اقدام به نهادسازی نیز می‌نمودند. نامگذاری «مجلس خبرگان» به جای «مجلس مؤسسان» بیانگر تأکید ایشان بر حضور نخبگان اسلامی، فقهی و حقوقی در دو عرصه تدوین قانون اساسی و تعیین رهبری بود.^{۲۹} نامگذاری «مجلس شورای اسلامی» به جای «مجلس شورای ملی» بیانگر تأکید ایشان بر اسلامگرایی و نفی ملی‌گرایی غیر متکی به اسلام بود. تأکید ایشان بر «شورای نگهبان» نشانگر آن بود که به جای «اصل طراز» در مشروطیت، باید واژگان جدیدی برای نظارت عده‌ای فقیه و حقوقدان بر رعایت قانون اساسی وضع شود.

ایجاد نهادهای تأسیسی از قبیل «مجمع تشخیص مصلحت نظام» بیانگر تأکید ایشان بر مصلحت‌گرایی به منظور رعایت مصالح عالیه اسلام، کشور و ملت است.^{۳۰} اقدام آن حضرت به تأسیس «ارتش بیست میلیونی» نیز بیانگر تأکید ایشان بر راهبرد «بازدارندگی مردمی» از طریق بسیج آحاد جامعه اسلامی و تجهیز و سازماندهی ملت مسلمان برای دفاع از میهن اسلامی و فداکاری در راه اسلام و کشور است که این امر شور و شعفی وصف‌ناپذیر را در مردم ایران و به ویژه جوانان ایجاد کرد.^{۳۱} از همه مهمتر نهادسازی «حکومت اسلامی»، «جمهوری اسلامی» و «ولایت فقیه»

۴۷ نشانگر اهتمام امام به استقرار نظام اسلامی بر پایه رهبری مقتدر و آگاه و ملت مشارکت جو و مطلع از جریان‌ات اسلامی است.

اصطلاح «حکومت اسلامی» که ۲۱۹ بار توسط ایشان به کار گرفته شده، بیانگر ضرورت استقرار حکومتی اسلامی براساس قانون الهی است.^{۲۲} «جمهوری اسلامی» که ۷۱۴ بار توسط ایشان تکرار شده، بیانگر آن است که اسلام محتوای حکومت و جمهوریت شکل نظام «مردم‌سالاری دینی» است. لذا جمهوری اسلامی از نظر امام با اتکاء به آرای عمومی ملت و برای اجرای احکام اسلام و به عنوان «امانتی الهی به دست همه ملت» تأسیس گردیده است.^{۲۳}

امام خمینی از این رهگذر توانست الگویی حکومتی را ارائه دهد که جمهوریت با شرایط خاص بومی و هنجارهای اجتماعی جامعه اسلامی ایران سازگار گردید به ویژه آنکه اسلام کارکرد وحدت‌بخش و هویت ساز خود را در درون نظام مردم‌سالار دینی به منصفه بروز رساند.

«ولایت فقیه» که از نظر امام «هدیه الهی» و «تداوم رسالت پیامبر اکرم(ص) و ائمه هدی(ع)» و ضامن حفظ مملکت و نظام به شمار می‌آید.^{۲۴} همانا در جهت اجرا و حاکمیت قانون الهی و ادامه ولایت رسول‌الله(ص) وضع و تأسیس شده است.^{۲۵} این نوع حکومت که آمیزه‌ای از مشروعیت، مقبولیت، حقانیت و کارآمدی است و سعی کرد هم به ویژگی شخص حاکم و هم به چگونگی حکومت اهتمام ورزد، بیانگر توان امام در انتقال موضوع ولایت از فرهنگ آرمانی به فرهنگ واقعی سیاسی - اجتماعی است.

امام خمینی(ره) علاوه بر نهادسازی، به عبارت‌پردازی به منظور جهت دهی به حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران و جهان اسلام اهتمام نمودند. ایشان به واژگان رایج و مفاهیم موجود معنایی دیگر بخشیدند تا عباراتی را به عنوان راهبرد امت اسلامی در اذهان مسلمانان ترسیخ نمایند و معناسازی و مفهوم‌پردازی را از این رهگذر در ادبیات انقلاب رایج گردانند. تعبیر ایشان از ایران به عنوان «مرکز ثقل اسلامی» یا ام‌القرای جهان اسلام و کانون مبارزه و مخالفت با ابرقدرتهای جهان، از جمله عبارات متداول ایشان است.^{۲۶}

عبارت «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا»، بیانگر ایجاد روحیه حماسی و فرهنگ

عاشورایی در متن ادبیات انقلاب توسط حضرت امام است. تعبیر «مساجد» به عنوان مرکز قیام، مرکز بسیج عمومی، مرکز تجهیز نیرو، دژ محکم، محل تشکل جوانان و مردم و مهمتر از همه به «سنگرها» نیز رویکرد امام را به مسجد به عنوان کانونی برای بسیج و سازماندهی حرکتهای مقاومت جویانه اسلامی علیه مستکبران و مستبدان و محلی برای افزایش ارتباطات، آگاهی بخشی و آموزش دهی به منصف ظهور می‌رساند؛^{۲۷} آنجا که می‌فرمایند: «این مساجد سنگرهای اسلام است. محراب محل حرب است. اینها سنگرند برای اسلام، حفظ کنید اینها را.»^{۲۸}

همچنین عبارت «جنگ جنگ تا رفع فتنه»^{۲۹} با الهام از آیه شریفه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» و جایگزین سازی آن به جای «جنگ، جنگ، تا پیروزی» نشانگر تأکید ایشان بر ادای تکلیف برای فتنه‌زدایی و نه صرفاً اهتمام به پیروزی ظاهری بود. یا عبارت «راه قدس از کربلا می‌گذرد» نشانگر تأکید ایشان بر ضرورت اهتمام به مقدمه، قبل از رفتن به سراغ ذی‌المقدمه و رعایت مصلحت حفظ کیان مملکت اسلامی قبل از پرداختن به حمایت از سایر کانون‌های مبارزات اسلامی است.

تعبیر ایشان از صدا و سیما به عنوان «رسالة تعلیمی- تربیتی» که نهادی آموزشی، آگاهی بخش، هدایتگر، تعلیم و تربیت کننده مردم براساس اصول اسلامی و انتقال دهنده اهداف، آرمانها و منعکس کننده آمال و آرزوهای ملت مسلمان ایران به شمار می‌آید، نشانگر رویکرد تعلیمی- تربیتی به رسانه‌های دیداری- شنیداری و حتی مکتوب به عنوان «دانشگاهی عمومی» و «بنگاه تعلیمات اسلامی» است.^{۳۰}

تعبیر دیگر «ملت برای ملت» است که از سوی امام در مورد شهید بهشتی به کار برده شده و بیانگر الهام از ادبیات قرآنی است که گاه بر افرادی که از تأثیرگذاری عمده بر جریانات اجتماعی برخوردارند، واژه جمع اطلاق شده است که این مهم در آیه شریفه مباحثه مشهود است.

از دیگر سو تعبیر و عبارات امام در مورد دشمنان نیز قابل توجه است. تأکید ایشان بر گرگ صفتی ابرقدرتها که نشان از بی‌اعتمادی آنان به یکدیگر است.^{۳۱} یا نامیدن امریکا به عنوان «شیطان بزرگ» و مظهر «استکبار» و یا تلقی آنان به «جمع عوض و معوض» که حضرت امام از آن به «چرخه اکل سحت» یا «ریاخواری در مقیاس بین‌المللی» تعبیر می‌کنند، تعبیری است که بر ماهیت و کارکرد امپریالیستها دلالت

دارد، در عین آنکه مشعل عزت‌طلبی، حق‌جویی، عقلانیت‌گرایی، آزادی‌خواهی و عدالت‌محوری را فروزان نگه می‌دارد.

در تبیین جمع‌عوض و معوض از سوی ابرقدرتها، امام خمینی (ره) معتقد است که امپریالیست‌ها در قبال اخذ معوض (مانند نفت) از کشورهای ضعیف به اعطای عوض (مانند سلاح‌های مخرب، مستشاران نظامی و پایگاه‌های نظامی) به آنان مبادرت می‌کنند و یا در قبال خرید نفت از کشورهای ضعیف (مؤمن) به جای پرداخت بهای آن (ثمن)، کالاهای گران و غیرضروری به آن کشورها می‌فروشند که وجود این کالاها کالعدم است. بنابراین در واقع ثمن و مؤمن از آن آنان می‌گردد.^{۴۲} در واقع امام خمینی (ره) با این عبارت‌پردازی به گسترده کردن حیطه کاربرد قاعده فقهی به عرصه سیاسی - بین‌المللی اهتمام نمودند.

تعبیر دیگر امام، مربوط به اسرائیل است که از آن به «غده سرطانی» و «جرثومه فساد» یاد می‌کنند و همه مسلمانان را مکلف به قطع شر این موجود غاصب از سربلاد اسلامی می‌دانند.^{۴۳} و حتی صهیونیسم بین‌الملل را در عداد امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی می‌دانستند.

نکته جالب توجه دیگر اینکه امام از آنچه که رژیم پهلوی آن را «سیاست مستقل ملی» نام می‌نهاد با لحنی انتقادآمیز این گونه تعبیر می‌کنند که «معنی سیاست مستقل ملی شاه، این بود که او سیاستی مستقل و جدا از ملت ایران داشته است».^{۴۴}

از دیگر تعابیر ابداعی حضرت امام می‌توان به تعابیر وصفی یا اضافی در کلام ایشان اشاره کرد که با تتابع اضافات و یا با واژگان توصیفی مقاصدی نوین را عرضه می‌داشتند و یا با تعابیری یگانه، به مفاهیم موجود بار سیاسی جدیدی می‌بخشیدند و معنایی دیگر را به آن منضم می‌کردند. به عنوان مثال، امام خمینی (ره) از قاعده «نفی سبیل» معنای جدیدی را از آیه ۱۴۱ سوره نساء مراد کردند و آن را از عرصه تکوینی به حالت تشریحی کشانندند آنجا که فرمودند:

«قرآن می‌گوید هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیرمسلم بر مسلم قرار نداده است. هرگز نباید یک همچو چیزی واقع شود. یک تسلط، یک راهی، اصلاً یک راه نباید پیدا بکند. لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا - اصلاً راه نباید داشته باشند مشرکین و این قدرتهای فاسد... بر مسلمین».^{۴۵}

تعبیر ابداعی دیگر «دانشگاه اسلامی» بود که به معنای اصلاح نظام آموزشی و استقلال فکری دانشجویان و تدریس علوم معنوی است.^{۴۶} ابداع واژه «عقل سیاسی» از دیگر تعبیر آن حضرت بود که مقتضای آن را حفظ وحدت کلمه می‌دانستند. آنجا که فرمودند:

«ما اگر عقل سیاسی هم داشته باشیم. باید همگی دست در دست یکدیگر گذاریم تا بتوانیم راه برویم.»^{۴۷}

تعبیر «صدور انقلاب» به معنای معنویت و ایصال پیام انقلاب اسلامی به جهانیان با بارور کردن تبلیغات اسلامی و نه به معنای صدور کالا با لشکرکشی یا سرنیزه، نیز از دیگر واژگان ابداعی حضرت امام است.^{۴۸} امام با ترویج این واژه ضمن آنکه توانستند امیدی در شبستان تاریک مستضعفان جهان و ملل آزادیخواه و استقلال طلب و وحشتی در دل‌های قدرتهای استکباری ایجاد کنند، آن را مترادف با آگاهی و بیداری اسلامی بر ادبیات سیاسی جهان اسلام نمودند.

ابداع واژه بسیج که بیانگر ایجاد هسته‌های مقاومت در مقابل شرق و غرب است و نیز «تفکر بسیجی» که طنین نوای دلنشین آن چشم طمع دشمنان و جهانخواران را از کشور اسلامی دور خواهد کرد، بیانگر فرهنگ سازی کلمات امام خمینی (ره) از رهگذر واژگان حرکت آفرین بود.^{۴۹}

تعبیر دیگر حضرت امام «حفظ نظام» بود که آن را از اهم واجبات و وظیفه آحاد ملت مسلمان و انقلابی می‌دانستند.^{۵۰} کاربرد واژه آزادگان به جای اسیران، نشانگر نگاه مثبت امام به نقش اسارت در آزاد اندیشی و آزادی مردان خدا بود. ابداع واژه «روز قدس» بیانگر حرکت امام برای نهادینه سازی مقابله جهان اسلام و مستضعفین با استکبار و ایادی آن در منطقه به ویژه رژیم صهیونیستی بود که حضرت امام آن را «روز اسلام» و «یوم الله» می‌دانستند.^{۵۱}

همچنین ابداع واژه «یوم الله» و کاربرد آن در مناسبت‌های مختلف شادی آفرین و گاه غم‌انگیز (در زمانی که از آن استنباط شکست ظاهری و یا حذف جسمانی افراد می‌شد) بیانگر اهتمام آن حضرت به اعطای روحیه امید با تعمیم این واژه از بعد مذهبی به ابعاد سیاسی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی بود که آن را در مناسبت‌هایی چون روز قدس، ۱۵ خرداد، ۱۷ شهریور و ۲۲ بهمن به کار می‌بردند.

ابداع واژه «شهید محراب» در مورد بزرگانی چون شهید مدنی، شهید دستغیب، شهید صدوقی و شهید اشرفی اصفهانی، بیانگر نگاه مثبت امام به شهادت به عنوان سعادت و هدیه الهی بود؛ چرا که موجب زنده شدن مکتب اسلام و پیشبرد اهداف مقاصد آن می‌گردید.^{۵۲}

تعبیر «دولت خدمتگزار» واژه دیگری بود که بیانگر توجه اسلام به خدمتگزاری ملت‌ها توسط دولت‌ها در ادبیات سیاسی امام خمینی (ره) بود که آن را در عرصه داخلی و در تمامی کشورهای اسلامی مورد تأکید قرار می‌دادند.^{۵۳} تعبیر «حج ابراهیمی» نیز از دیگر ابتکارات امام برای فرهنگ سازی «مراسم برائت از مشرکین» در موسم حج بود که قدرت مسلمانان، به عنوان نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان را به منصفه ظهور می‌رساند.^{۵۴}

واژه «اجتهاد جواهری» نشانگر اهتمام امام به انطباق فقه با تحولات زندگی و نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌ها، انفتاح باب اجتهاد از سوی فقهای عدول، پویایی دین مبین اسلام و تلقی فتاوی به عنوان مظهر پیوند تقنین و تنفیذ است که حضرت امام به صراحت اعلام می‌داشتند:

«این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم.»^{۵۵}
تعبیر دیگر امام، «سیاست اسلامی» بود که نشانگر آن است که از نظر ایشان اسلام هدف و سیاست وسیله به شمار می‌آید.^{۵۶}

فرجام سخن

با عنایت به آنچه گذشت مشخص می‌گردد که امام خمینی (ره) گزاره‌های ادبی و ادبیاتی سیاسی را بنیاد نهاد که مظهر تحوّل در محیط ادراکی - روان‌شناختی و محیط عینی - عملیاتی به شمار می‌آید. کارکرد گفتمان ادبی امام خمینی (ره) را می‌توان در دو بعد پیوند «درون و برون» و «رفع شکاف بین ظاهر و باطن» دانست.

ایشان با برقراری پیوند بین ملت مسلمان ایران و ملل مسلمان و مستضعف جهان، مقابله با استکبار و ایادی داخلی و منطقه‌ای آن چون صهیونیسم را زمینه رفع مشکلات جهان اسلام براساس راهبرد «نه شرقی نه غربی» می‌دانستند. همچنین ایشان با پیوند سیاست‌های اعمالی و اعلامی، دوگانگی بین ظاهر و باطن را زدودند و از رهگذر تحریم

تقیه بین موضعگیری آشکار و انزجار قلبی ملت مسلمان ایران از استبداد و استعمار ارتباطی ناگسستنی برقرار نمودند.

این اقدام در عرصه ادبیات سیاسی ناشی از ایجاد بستر معرفتی و یک نظام دانایی خاص توسط فراگفتمان سیاسی امام خمینی بود که با ایجاد تشکل گفتمانی خاص، فراگیر و استعلایی و با ارزشانی داشتن مدلولهای سیاسی - معنوی به فضای روان شناختی، رفتاری، گفتاری و نوشتاری دلها، توانست مفاهیم را لبریز از استغنائی محتوایی نماید و با درهم آمیختن متن و زمینه هر دو را دچار تحولی ژرف و گسترده کند.

حضرت امام از رهگذر تلفیق سطوح تحلیل داخلی و خارجی و ابداع واژگان تعاملی و تقابلی و تعبیر و عبارات حرکت آفرین توانستند خط بطلانی بر نظریه‌های سایه و ماسک در جامعه اسلامی بکشند. براساس نظریه سایه، انسانها با پرهیز از برخورد جسمی با یکدیگر، سعی می‌کنند از رهگذر تلاقی سایه‌ها کمترین آسیب را متحمل شوند و نوعی نفاق و دوگانگی را در جامعه ترویج کنند، اما امام با درهم آمیختن جسم و سایه و تأکید بر ضرورت حضور گسترده مردم در صحنه و با شفاف سازی مفاهیم و تعبیر، به مدیریت بحران پرداختند و عرصه نبرد را از هرگونه شائبه‌ای زدودند.

ایشان با گذار عقلانی و استعلایی از تصور به تصدیق و از آگاهی به گواهی، همگونی زیبایی بین تصویر روشن انقلاب و گفتار همبسته با آن تصویر برقرار نمودند که در واژه «جمهوری اسلامی» بازتابیده شد و در صحنه عمل در نظام مردم‌سالار دینی تجلی یافت.

براساس نظریه ماسک نیز، انسانها سعی می‌کنند با ماسک‌های خود با یکدیگر سخن گویند تا دیگران از مکنونات قلبی، باطنی و فکری آنان آگاه نگردند و نظرات خود را از پشت پرده خیال به جامعه عرضه کنند، اما امام خمینی (ره) با برانداختن نقاب از چهره متظاهران، ریاکاران و مزدوران، هویت واقعی ایادی اختناق و استکبار را به مردم نمایاندند و چهره واقعی آنان را برای مردم آشکار ساختند تا جامعه را از آفت فرمالیسم و ظاهرگرایی بازدارند و با ادبیات سیاسی صریح خود، شیوه‌ای شفاف را برای بیان واقعیات در جهت تحقق آمال و اهداف اصلاح‌طلبانه نهضت به منصفه ظهور رسانند. در واقع، امام خمینی (ره) با ادبیات سیاسی خود و با نهادینه سازی انقلاب

فرهنگی و ارزشی از رهگذر کلام و پیام، ساختار فرهنگی، ادبی و هنری کشور را متحول کردند و تحولی را در اهداف و خواسته‌ها و نیز در ابزارها و روشها به وجود آوردند که بحق می‌توان از آن به «انقلاب ادبی» تعبیر کرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. صحیفه نور، ج ۵، ص ۱۰۸؛ ج ۶، صص ۳۰ و ۱۰۸؛ ج ۸، ص ۱۱۷؛ ج ۱۱، ص ۲۶۲.
۲. همان، ج ۱۷، ص ۱۲۲.
۳. وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی (ره).
۴. صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۳۹.
۵. صحیفه نور، ج ۹، صص ۱۳۵-۱۳۶.
۶. همان، ج ۱، صص ۳۰۰-۳۰۱؛ ج ۵، ص ۱۳۲؛ ج ۹، ص ۱۵۸؛ ج ۱۰، صص ۲۷۳-۲۸۱.
۷. همان، ج ۷، ص ۲۰.
۸. همان، ج ۷، ص ۱۸.
۹. همان، ج ۲، صص ۱۶۱-۱۷۰؛ ج ۶، ص ۲۶۹؛ ج ۹، ص ۱۱۸؛ ج ۱۲، ص ۱۶۹؛ ج ۱۵، ص ۲۰۰.
۱۰. همان، ج ۱۹، ص ۵۰؛ ج ۹، ص ۱۹۲؛ ج ۱۶، ص ۷.
۱۱. همان، ج ۱۳، ص ۲۱۹.
۱۲. همان، ج ۶، ص ۱۴۰؛ ج ۱۵، ص ۱۸.
۱۳. همان، ج ۱۱، ص ۱۹۶.
۱۴. همان، ج ۶، ص ۱۱۷.
۱۵. همان، ج ۱۱، ص ۱۸۶.
۱۶. همان، ج ۵، ص ۱۱۴.
۱۷. همان، ج ۵، صص ۲-۳.
۱۸. همان، ج ۷، ص ۶۱؛ ج ۹، ص ۱۲۰؛ ج ۱۲، ص ۵۴؛ ج ۱۴، ص ۲۷۸؛ ج ۱۵، ص ۲۵۰؛ ج ۱۹، صص ۱۳۱-۱۳۲.
۱۹. همان، ج ۶، ص ۱۱؛ ج ۷، ص ۲۱۵؛ ج ۱۳، صص ۲۰۶ و ۲۶۶؛ ج ۱۴، ص ۲۹؛ ج ۱۷، صص ۱۸ و ۲۴۱؛ ج ۱۹، ص ۱۹۳.
۲۰. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر چهاردهم، استعمار و ابرقدرتها، صص ۶۰، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۹۶، ۲۱۱، ۲۸۵، ۳۸۷، ۳۲۴.
۲۱. صحیفه نور، ج ۱۷، صص ۱۶۰-۱۶۱.
۲۲. همان، ج ۲۰، ص ۱۷۴.
۲۳. سخنرانی‌های ۱۳۵۸/۵/۳ و ۱۳۶۰/۹/۱۰.
۲۴. صحیفه نور، ج ۶، ص ۸۴.
۲۵. همان، ج ۷، ص ۲۱۱؛ ج ۱۱، ص ۸۰.
۲۶. همان، ج ۸، ص ۴۷.
۲۷. همان، ج ۲۰، ص ۱۷۶.

۲۸. همان، ج ۷، صص ۲۵۵-۲۵۶؛ ج ۸، ص ۲۴.
۲۹. همان، ج ۱۷، ص ۷۹.
۳۰. همان، ج ۲۱، ص ۶.
۳۱. همان، ج ۱۵، صص ۲۳۱-۲۳۲؛ ج ۲۱، صص ۵۲-۵۳.
۳۲. همان، ج ۸، ص ۱۶۷.
۳۳. همان، ج ۱۲، ص ۱۳۲.
۳۴. همان، ج ۹، ص ۱۷۰ و ۲۵۱؛ ج ۱۰، صص ۸۷ و ۱۷۴.
۳۵. همان، ج ۱۰، صص ۲۶ و ۵۳ و ۱۷۴.
۳۶. همان، ج ۱۵، صص ۱۱۷ و ۱۱۹؛ ج ۱۷، ص ۲۹.
۳۷. همان، ج ۶، ص ۴۹ / ج ۱۵، صص ۶۲-۵۳.
۳۸. همان، ج ۱۵، ص ۵۶.
۳۹. همان، ج ۱۹، صص ۸۶-۸۲.
۴۰. همان، ج ۶، صص ۱۹۲-۱۹۳؛ ج ۱۲، صص ۱۰۲-۱۰۴؛ ج ۵، ص ۲۰۲؛ ج ۸، ص ۲۰۰.
۴۱. همان، ج ۱۰، صص ۵۵-۵۹؛ ج ۱۲، صص ۲۷۱-۲۷۷.
۴۲. امام خمینی (ره)، ولایت فقیه، ص ۱۶۰.
۴۳. صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۴۲؛ ج ۶، ص ۵۰؛ ج ۲۲، صص ۱۵۹-۱۶۲.
۴۴. همان، ج ۴، ۱۳۵۷/۱۰/۲۲، صص ۲۱۲-۲۱۶.
۴۵. همان، ج ۳، ص ۴.
۴۶. همان، ج ۷، ص ۶۱؛ ج ۱۲، ص ۵۳؛ ج ۱۵، ص ۲۰۵؛ ج ۱۸، ص ۱۳۳.
۴۷. همان، ج ۱۳، صص ۱۱۴-۱۱۶.
۴۸. همان، ج ۱۱، ص ۱۶۶؛ ج ۱۲، صص ۲۷۸-۲۸۲؛ ج ۱۸، صص ۱۲۶-۱۳۲ و ص ۱۴۳؛ ج ۱۹، صص ۲۳۱-۲۳۲.
۴۹. همان، ج ۱۰، صص ۱۷۸-۱۸۳؛ ج ۱۲، ص ۳۳؛ ج ۲۱، صص ۵۲-۵۳.
۵۰. همان، ج ۱۹، ص ۵۰.
۵۱. همان، ج ۸، ص ۲۳۲.
۵۲. همان، ج ۷، ص ۶۷-۷۰ و صص ۲۶۴-۲۶۸؛ ج ۸، صص ۴۰-۳۳.
۵۳. همان، ج ۶، ص ۷۶ / ج ۱۰، ص ۹۲.
۵۴. همان، ج ۲۰، صص ۲۲۷-۲۴۴.
۵۵. کلمات قصار، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ص ۱۹۷.
۵۶. صحیفه نور، ج ۱۷، صص ۱۳۷-۱۴۳.